

بررسی تأثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها

احمد خدای پور* میثم امینی نیا** محمد حسن فدوی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۲۵

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی تأثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد. نمونه‌ی تحقیق شامل ۶۷ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ است و نرخ مؤثر مالیاتی از طریق تقسیم هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات محاسبه شده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون تفاوت میانگین دو جامعه و رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS)، استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه به طور معناداری از شرکت‌های مستقل کمتر می‌باشد. همچنین، بین اثر متقابل سودآوری و گروه با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد. به بیان دیگر، همبستگی مثبت بین سودآوری قبل از مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های عضو گروه، تفاوت معناداری با شرکت‌های مستقل ندارد.

واژه‌های کلیدی: نرخ مؤثر مالیاتی، گروه تجاری، سودآوری قبل از مالیات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار بخش حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.

Khodamipour@uk.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۱- مقدمه

در بسیاری از اقتصادهای نوظهور و همچنین اقتصادهای توسعه یافته، گروه‌های تجاری نقش مهمی را بازی می‌کنند. گروه تجاری، یک گروه از شرکت‌ها است که در بازارهای مختلف تحت یک کنترل مشترک مالی یا اداری به کارهای تجاری مشغول هستند و اعضای آن توسط روابط بین شخصی، قومی و یا پیش‌زمینه‌های تجاری به هم می‌پیوندند (لِف^۱، ۱۹۷۸). عضویت در گروه تجاری پیامدهای مثبت متعددی می‌تواند برای شرکت‌ها در بر داشته باشد. ساختار حاکمیت گروه‌های تجاری، مشکلات نمایندگی را با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش و تا حدی برطرف می‌کند (هوشی و همکاران^۲، ۱۹۹۱) و نظارت مؤثر را در سراسر مدیریت ارشد فراهم می‌کند (کاپلن^۳، ۱۹۹۴). در حقیقت نگهداری سهام به صورت متقابل بین شرکت‌های عضو گروه باعث تقویت نظارت متقابل و به اشتراک گذاری اطلاعات میان اعضای گروه و همچنین باعث انعطاف پذیری بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود (گیلسون و رو^۴، ۱۹۹۳). در عین حال، در تصمیمات سرمایه‌گذاری، شرکت‌های عضو گروه از نظر نقدینگی دچار مشکلات کمتری هستند (هوشی و همکاران، ۱۹۹۱). براساس تحقیقات انجام شده کاهش قابل توجهی در هزینه‌های ورشکستگی شرکت‌های عضو گروه مشاهده شده است (هوشی و همکاران^۵، ۱۹۹۰). همچنین این احتمال وجود دارد که شرکت‌های عضو گروه تجاری به دلیل وجود بازار مالی داخلی وابستگی کمتری به بازار مالی خارجی داشته باشند (میاشیتا و راسل^۶، ۱۹۹۴). بعضی از خصوصیات قوانین مالیاتی، زمینه‌ای فراهم می‌سازد که شرکت‌های عضو گروه تجاری برای کاهش مالیات، سود را از شرکت‌های سودآور به شرکت‌های زیانده انتقال دهند. ترکیبی از ویژگی‌های خاص

-
1. Leff
 2. Hoshi, Kashyap & Scharfstein
 3. Kaplan
 4. Gilson & Roe
 5. Hoshi, Kashyap & Scharfstein
 6. Scharfstein & Russell

۱۳۱ بررسی تاثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها

و سازمانی شرکت‌های عضو گروه تجاری سبب می‌شود که شرکت‌های عضو گروه تمایل بیشتری برای انتقال سود در جهت کاهش میزان مالیات پرداختی داشته باشند. سوالی که به‌عنوان سوال اصلی این تحقیق مطرح می‌شود این است که با توجه به ویژگی‌های خاص گروه‌های تجاری، آیا این امکان وجود دارد که عضویت در گروه تجاری منجر به کاهش هزینه مالیات و به تبع آن کاهش نرخ مؤثر مالیاتی شرکت شود. به طور کلی، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر عضویت شرکت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت می‌باشد.

۲- مبانی نظری

در تحقیقاتی که در شرکت‌های چند ملیتی انجام شده است، مشخص گردید که شرکت‌های چند ملیتی برای کاهش مالیات خود، سودهای خود را از کشورهای که دارای نرخ‌های مالیاتی قانونی بالایی بودند به کشورهای که دارای نرخ مالیاتی قانونی پایین بودند انتقال می‌دادند (کالینس و همکاران^۱، ۱۹۹۸؛ رگو^۲، ۲۰۰۳ و میلز و نوبری^۳، ۲۰۰۴). براساس تحقیقات انجام شده، انتقال سود اصولاً به عملیات شرکت‌های چند ملیتی آمریکایی در کشورهای با قوانین مالیاتی متفاوت بر می‌گردد. براساس تحقیقات انجام شده، این انتقال از راه‌های مختلف صورت می‌گیرد. تحقیقات قبلی در مورد اجتناب مالیاتی به این موضوع اشاره دارند، که شرکت‌های عضو گروه‌های تجاری بین‌المللی، از طریق معاملات درون‌گروهی با شرکت‌های خود در کشورهای که دارای قوانین مالیاتی مختلف هستند، در صدد کاهش مالیات خود برمی‌آیند (کالینس و همکاران، ۱۹۹۸؛ رگو، ۲۰۰۳ و میلز و نوبری، ۲۰۰۴). شواهد دیگر و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که حتی شرکت‌های عضو گروه تجاری درون یک کشور نیز، با انتقال سود بین اعضای گروه، نرخ مؤثر مالیات خود را کاهش می‌دهند (اسچولس و همکاران^۴،

1. Collins, Kemsley & Lang
2. Rego
3. Mills & Newberry

همکاران^۱، ۲۰۰۲ و گراملیچ و همکاران^۲، ۲۰۰۴).

انتقال سود بین اعضای گروه‌های تجاری ممکن است منجر به حداقل سازی مالیات شود؛ زیرا عموماً قوانین مالیاتی با سود و زیان شرکت‌ها به صورت نامتقارن برخورد می‌کند. به این صورت که اگر نتیجه عملیات شرکت در پایان یک سال مالی، سود باشد شرکت مزبور باید مالیات بر سود خود را پرداخت کند اما اگر نتیجه عملیات شرکت در پایان یک سال مالی، زیان باشد دولت چیزی به عنوان مالیات زیان به شرکت پرداخت نمی‌کند (بیوسلینگ و دلف^۳، ۲۰۰۶).

درست است که قوانین مالیاتی زیان‌های سال قبل را برای تعیین مالیات سال بعد در نظر می‌گیرند اما این کمبود را از بین نمی‌برند (بیوسلینگ و دلف، ۲۰۰۶). منظور از کمبود این است که اگر شرکت مالیات بر زیان خود را در سال قبل از دولت دریافت می‌کرد، می‌توانست با وجه دریافتی از دولت بازده کسب کند. اما با توجه به قوانین مالیاتی، شرکت‌ها فقط می‌توانند زیان‌های سال‌های قبل را در پرداخت مالیات سال‌های بعد لحاظ کنند. از این جهت دویا چند شرکت عضو گروه تجاری که دارای وضعیت مالیاتی متفاوت هستند، می‌توانند مالیات کل خود را با انتقال سود از شرکت‌های سودآور به شرکت‌های زیاننده، کاهش دهند (بیوسلینگ و دلف، ۲۰۰۶).

در بعضی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، وضع مالیات برای گروه تجاری به صورت کلی انجام می‌شود. به این صورت که سودهای بعضی از اعضای گروه به طور خودکار با زیان دیگر اعضای گروه جبران می‌شود و مالیات برای آنها به صورت کلی تعیین می‌شود. اما برای بعضی از کشورها همانند ایران، مالیات به صورت جداگانه برای شرکت‌های عضو گروه محاسبه می‌شود. وقتی که مالیات در سطح گروه به صورت کلی تعیین شود، دیگر لازم نیست که شرکت‌های عضو گروه، سود خود را، برای کاهش مالیات به دیگر اعضای گروه انتقال دهند (بیوسلینگ و دلف، ۲۰۰۶).

1. Scholes, Wolfson, Erickson, Maydew & Shevlin
2. Gramlich, Limpaphayom & Ghon Rhee
3. Beuselinck & Deloof

به طور کلی اعتقاد بر این است که شرکت‌های عضو گروه انعطاف‌پذیری بیشتری برای مدیریت سود و انتقال سود، در مقایسه با شرکت‌های مستقل دارند (بتی و هریس^۱، ۲۰۰۱). اما شیوع این رفتار هنوز هم تا حد زیادی مستند نشده باقی مانده است. علاوه بر این، اهمیت مشوق‌های مالیاتی به عنوان محرک‌های تصمیمات مدیریت سود در شرکت‌های عضو گروه هنوز به عنوان یک مسئله حل نشده باقی مانده است (بیوسلینگ و دلف، ۲۰۰۶).

شرکت‌های عضو گروه این توانایی را دارند که مالیات کمتری پرداخت کنند؛ به این صورت که به طور دقیق سود و زیان‌ها را بین شرکت‌های مشمول مالیات و معاف از مالیات تخصیص دهند. اصولاً تمام شرکت‌ها دوست دارند و مایل هستند که مالیات کمتری پرداخت کنند و ممکن است که به موضوع کاهش مالیات به عنوان یک هدف نگاه کنند (اسچولس و همکاران، ۲۰۰۲ و بیوسلینگ و دلف، ۲۰۰۶)؛ زیرا با پرداخت کمتر مالیات، منابع موجود شرکت در اختیار خودش قرار می‌گیرد و می‌تواند از این منابع برای اجرای اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت شرکت استفاده نماید. گروه‌های تجاری به دو دلیل خصوصیات جالبی برای مطالعه رفتار اجتناب مالیاتی دارند:

اولاً؛ بستانکاران، وام‌دهندگان، مشتریان، تامین‌کنندگان مواد اولیه و سایر سهامداران در قراردادهای مالی اغلب از ارقام حسابداری برای تعیین شرایط معامله خود استفاده می‌کنند. به همین دلیل شرکت‌های مستقل به گزارش کمتر سود خود برای اهداف مالیاتی رغبت کمتری دارند؛ زیرا ممکن است با این کار، رفتار بستانکاران و غیره را تحت تأثیر قرار دهند (شاکلفورد و شولین^۲، ۲۰۰۱). با این حال عضویت در گروه تجاری ممکن است شرکت‌ها را کمتر به ارائه دهندگان سرمایه خارجی نیازمند و متکی سازد؛ در نتیجه شرکت‌های عضو گروه ممکن است تمایل کمتری به مدیریت سود برای قراردادهای تامین مالی داشته باشند و در عوض بیشتر بر روی حداقل سازی مالیات

1. Beatty & Harris
2. Shackelford & Shevlin

۱۳۴ پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۲

تمرکز داشته باشند (کلاسنس و همکاران^۱، ۲۰۰۵). به بیان دیگر می‌توان گفت که شرکت‌های عضو گروه تجاری به دلیل دسترسی به بازار سرمایه داخلی، به طور بالقوه کمتر نگران سودآوری گزارش شده جداگانه خودشان در رابطه با موضوع قراردادهای مالی هستند و انعطاف پذیری خودشان را در مدیریت سود برای کاهش مالیات، گسترش می‌دهند.

ثانیا؛ عضویت در گروه تجاری برای شرکت‌های عضو انعطاف‌پذیری فوق العاده ای در مقایسه با شرکت‌های مستقل به وجود می‌آورد. چون آنها به طور هماهنگ می‌توانند از طریق انتقال سود از اعضای سودآور گروه به اعضای زیانده گروه، برای کاهش بار مالیاتی اقدام کنند (گراملیچ و همکاران، ۲۰۰۴). در مقابل شرکت‌های مستقل فاقد این انعطاف پذیری هستند و باید برای اهداف حداقل سازی مالیات مکانیزم‌های دیگری را انتخاب کنند. علاوه بر این، یکی دیگر از نتایج عضویت در گروه این است که به طور بالقوه برای شرکت‌های عضو، تجربه و ابزارهای اختیاری بیشتری در جهت مدیریت سودهای گزارش شده فراهم می‌آید (بیوسلینگ و دلف، ۲۰۰۶).

شرکت‌هایی که سودآور هستند مالیات پرداخت می‌کنند در حالی که شرکت‌های غیر سودآور تخفیف مالیاتی دریافت نمی‌کنند، به جز دسترسی محدودی که برای انتقال زیان وجود دارد. بنابراین دو یا چند شرکت عضو گروه تجاری با انتقال سود از شرکت سودآور به شرکت زیانده می‌توانند کل جریان نقدینگی ناشی از پرداخت مالیات گروه را کاهش دهند؛ که این کار احتمالا با استفاده از قیمت انتقالی که متفاوت با ارزش بازار است، صورت می‌گیرد (هریس و همکاران^۲، ۱۹۹۳). به طور خلاصه شرکت‌های عضو گروه تجاری انگیزه بیشتری برای انتقال سود، برای اهداف مالیاتی دارند و برای انتقال سود از طریق معاملات درون گروهی با کنترل قیمت‌گذاری انتقالی، دارای انعطاف پذیری هستند (گراملیچ و همکاران، ۲۰۰۴).

اگر چه رابطه بین سودآوری قبل از مالیات شرکت‌ها و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی

1. Claessens, Fan & Lang
2. Harris, Morck, Slemrod & Yeung

۱۳۵.....بررسی تاثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها

هنوز به‌عنوان یک معضل باقی مانده است. اما بر طبق تحقیقات ویلکی و لیمبرگ^۱ (۱۹۹۳) و گوپتا و نوبری^۲ (۱۹۹۷) انتظار بر این است که رابطه بار مالیاتی و سودآوری قبل از مالیات مثبت باشد. انعطاف پذیری گروه‌های تجاری در زمینه مدیریت سود در سطح شرکت و انتقال سود از شرکت‌های مشمول مالیات به شرکت‌های معاف از مالیات، این انتظار را به وجود می‌آورد که رابطه بین سود قبل از مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه تجاری، در مقایسه با شرکت‌های مستقل دارای همبستگی مثبت ضعیف‌تری باشد (بیوسلینگ و دلف، ۲۰۰۶). بر اساس تحقیقات انجام شده انتظار می‌رود که شرکت‌های عضو گروه از انعطاف پذیریشان برای اجتناب از پرداخت مالیات استفاده کنند. به عبارت دیگر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه نسبت به شرکت‌های مستقل پایین‌تر است. همچنین انتظار می‌رود که عضویت در گروه تجاری سبب شود که ارتباط نرخ مؤثر مالیاتی و سود قبل از مالیات در شرکت‌های گروه نسبت به شرکت‌های مستقل، همبستگی ضعیف‌تری داشته باشد.

۳- پیشنهاد تحقیق

گراملیچ و همکاران (۲۰۰۴) به بررسی نرخ مؤثر مالیات بین شرکت‌های عضو گروه تجاری و شرکت‌های مستقل در بورس اوراق بهادار ژاپن، که این نرخ از تقسیم هزینه مالیات بر جریان نقدی عملیاتی به دست می‌آید، پرداختند. یافته‌های تحقیق آنها نشانگر این بود که نرخ مؤثر مالیات در شرکت‌های عضو گروه نسبت به شرکت‌های مستقل پایین‌تر است. آنها همچنین بیان کردند که بین سودآوری شرکت عضو گروه تجاری و وضعیت نرخ نهایی مالیات یک رابطه معکوس وجود دارد.

بیوسلینگ و دلف (۲۰۰۶) به بررسی نرخ مؤثر مالیات در شرکت‌های عضو گروه تجاری و شرکت‌های مستقل بورس اوراق بهادار بلژیک پرداختند. یافته‌های تحقیق آنها

1. Wilkie & Limberg
2. Gupta & Newberry

۱۳۶ پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۲

نشان داد که شرکت‌های عضو گروه تجاری در بلژیک نسبت به شرکت‌های مستقل نرخ مؤثر مالیاتی پایین‌تری دارند و همچنین دریافته‌اند که یک ارتباط مثبت بین سود قبل از مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی در بین شرکت‌های مستقل وجود دارد.

دیرنگ و دیگران^۱ (۲۰۱۰)، در تحقیق خود از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت برای آزمون میزان اجتناب از مالیات شرکت‌ها در طی دوره ۱۰ ساله استفاده کردند. نتایج حاصل از تحقیق آن‌ها نشان داد که اختلاف مقطعی قابل ملاحظه‌ای در اجتناب از پرداخت مالیات توسط شرکت‌ها وجود دارد و تقریباً ۲۵ درصد شرکت‌ها توانایی این را دارند که نرخ مؤثر مالیاتی نقدی را زیر ۲۰ درصد نگه دارند.

مانوس و همکاران^۲ (۲۰۰۷) به بررسی اهرم و گروه‌های تجاری پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که تصمیمات اهرم شرکت‌های عضو گروه تجاری با شرکت‌های مستقل تفاوت معنی‌داری دارد.

ایزدی نیا و رسائیان (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌ها پرداختند. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش رگرسیون مقطعی و ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر عدم وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

سعیدی و کلامی (۱۳۸۷) به بررسی تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد بر میزان مالیات بر درآمد، سود خالص، سود انباشته و میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های تحقیق بیانگر تغییر محسوس در میزان مالیات بر درآمد و سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی در سال‌های بعد از تغییر قانون مالیات‌های مستقیم نسبت به سال‌های قبل از تغییر قانون مالیات‌های مستقیم، می‌باشد.

جهرمی و دیگران (۱۳۸۸) به بررسی بین درجه‌ی تمرکز بازار و نرخ مؤثر مالیاتی در صنایع لاستیک و پلاستیک ایران پرداختند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که با افزایش

1. Dyreng, Hanlon & Maydew
2. Manos, Murinde, Green

بررسی تاثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها.....۱۳۷

نرخ مالیات، قدرت انحصاری بازار افزایش می یابد. از طرف دیگر با افزایش موجودی سرمایه، ورود بنگاه‌ها به صنعت راحت‌تر می شود و در نتیجه قدرت انحصاری صنایع و درجه‌ی تمرکز بازار بیشتر می شود.

۴- فرضیه‌های تحقیق

بر اساس چارچوب ارائه شده در مبانی نظری و باتوجه به تحقیقات قبلی فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر بیان می شود:

- ۱- شرکت‌های عضو گروه تجاری از نرخ مؤثر مالیاتی کم‌تری نسبت به شرکت‌های مستقل برخوردارند.
- ۲- در شرکت‌های عضو گروه تجاری، بین نرخ مؤثر مالیاتی و سود قبل از مالیات، نسبت به شرکت‌های مستقل، همبستگی مثبت کمتری وجود دارد.

۵- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از ابتدای فروردین ۱۳۸۰ تا پایان اسفند ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده اند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی و با اعمال شرایط زیر انتخاب شده است. به این صورت که شرکت‌هایی که دارای ویژگی مورد نظر بودند، انتخاب شده اند:

- ۱- داده‌های مورد نظر این پژوهش برای آنها در دسترس باشد.
- ۲- جزو شرکت‌های بیمه و واسطه‌گری مالی نباشد.
- ۳- شرکت‌ها در پایان سال مالی سودآور باشند.

بر اساس شرایط فوق ابتدا ۶۷ شرکت در بازه زمانی ۱۰ ساله انتخاب گردید و سپس با رجوع به صورت‌های مالی این شرکت‌ها، آن‌هایی که عضو گروه تجاری بودند مشخص گردید. لازم به ذکر است که از ۶۷ شرکت نمونه، تعداد ۳۹ شرکت، عضو

۱۳۸ پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۲

گروه تجاری می‌باشند. در پایان پس از حذف داده‌های پرت، نمونه انتخابی به ۶۲۷ سال-شرکت تقلیل یافت.

۶- مدل تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از دو مدل رگرسیون چند متغیره‌ی ۱ و ۲ استفاده می‌شود:

$$ETR = \alpha_0 + \beta_1 \text{Group}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{it} \quad (1)$$

(۲)

$$ETR = \alpha_0 + \beta_1 \text{PTI}_{it} + \beta_2 \text{Group}_{it} + \beta_3 (\text{Group} * \text{PTI})_{it} + \beta_4 \text{SIZE}_{it} + \beta_5 \text{LEVERAGE}_{it}$$

که در آن

متغیر وابسته:

نرخ مؤثر مالیاتی (ETR^1): که از تقسیم هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات بدست می‌آید.

متغیرهای مستقل:

سود قبل از مالیات (PTI^2): بیانگر سودآوری قبل از مالیات می‌باشد. که از تقسیم سود قبل از مالیات بر دارایی‌ها بدست می‌آید.

گروه (Group): اگر شرکت عضو گروه تجاری باشد عدد ۱ در غیر اینصورت صفر می‌پذیرد.

گروه * سود قبل از مالیات ($\text{Group} * \text{PTI}$): که اثر متقابل بین این دو متغیر را نشان می‌دهد.

1. Effective Tax Rate
2. Per-tax Income

متغیرهای کنترلی:

اندازه (size): از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها بدست می‌آید. زیمرمن^۱ (۱۹۸۳) نشان داد که یک رابطه مثبت بین اندازه و نرخ مؤثر مالیاتی وجود دارد اما این رابطه به صورت یکنواخت (همسو) بین آنها وجود ندارد. استیکنی و امسیچی^۲ (۱۹۸۲) نتیجه‌گیری کردند که نسبت اندازه یک عامل مهم برای تغییر نرخ مؤثر مالیاتی نیست. پورکانو^۳ (۱۹۸۶) یک رابطه عکس را بین این دو متغیر نشان داد.

اهرم مالی (LEVERAGE): از تقسیم کل بدهی‌ها بر دارایی‌های شرکت بدست می‌آید. هزینه بهره، درآمد مشمول مالیات را کاهش می‌دهد بنابراین می‌تواند نرخ مؤثر مالیاتی را کم کند.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در جدول ۱ منعکس گردیده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تعداد سال- شرکت بررسی شده ۶۲۷ مورد می‌باشد. نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها به طور متوسط ۰/۱۱ می‌باشد که نشان دهنده‌ی این مطلب است که به طور میانگین شرکت‌ها کمتر از نرخ مالیات قانونی، مالیات پرداخت می‌کنند. میانگین PTI، ۰/۱۷۴۱ می‌باشد. میانگین گروه ۰/۵۷ می‌باشد که نشان دهنده‌ی این است که بیشتر شرکت‌های نمونه عضو گروه تجاری هستند.

1. Zimmerman
2. Stickney & McGee
3. Porcano

جدول ۱- نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
ETR	۶۲۷	۰/۱۱۶۷	۰/۰۸۷	۰/۴۳	۰/۰۰۰
PTI	۶۲۷	۰/۱۷۴۱	۰/۱۲۰	۰/۵۸	۰/۰۰۲
PTIGroup	۶۲۷	۰/۰۹۱	۰/۱۲۲	۰/۵۷	۰
Group	۶۲۷	۰/۵۷	۰/۴۹	۱	۰
SIZE	۶۲۷	۱۳/۱۳	۱/۵۴	۱۸/۳۲	۱۰/۰۹
LEV	۶۲۷	۰/۶۴	۰/۱۷	۱/۴	۰/۰۴

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷-۲- آزمون فرضیه‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه اول شرکت‌ها را به دو گروه مجزا تفکیک می‌کنیم، گروه اول شرکت‌هایی که عضو گروه هستند و گروه دوم را شرکت‌های مستقل تشکیل می‌دهند. می‌خواهیم بدانیم که آیا بین نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر. برای این منظور از آزمون مقایسه‌ی میانگین دو جامعه (T-Test) با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

برای آزمون تساوی میانگین دو جامعه لازم است که ابتدا بررسی شود آیا واریانس دو جامعه برابرند یا خیر. به عبارت دیگر تساوی واریانس‌ها مقدم بر آزمون تساوی میانگین است. جهت آزمون تساوی واریانس از آزمون لوین^۱ استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر تساوی همه واریانس گروه‌های مختلف است. برای آزمون لوین نیازی نیست که توزیع داده‌ها نرمال باشد همچنین هنگامی که دو نمونه یکسان نباشد نیز می‌توان از آزمون لوین سود جست. آماره آزمون لوین F فیشر می‌باشد. (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۹۰). به دلیل اینکه در فرضیه دوم تحقیق ارتباط بین نرخ مؤثر مالیاتی و سودآوری مورد بررسی قرار می‌گیرد، این آزمون برای بررسی تفاوت در سودآوری

1. Levene's Test

بررسی تاثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها..... ۱۴۱

شرکت‌های عضو گروه و مستقل نیز انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل نتایج، ابتدا باید مشخص شود که آیا واریانس دو جامعه با یکدیگر برابر است یا خیر، که این کار براساس F حاصل از آزمون لوین صورت گرفت.

جدول ۲- نتایج آزمون لوین

سطح معنی داری	F	فرضیه
۰/۶۹۸	۰/۱۵۱	بین نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود دارد
۰/۰۰۱	۱۰/۱۷۵	بین سودآوری شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود دارد

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

همین‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود سطح معنی داری مربوط به آزمون لوین برای فرضیه‌ی مربوط به تفاوت در نرخ مؤثر مالیاتی برابر ۰/۶۹۸ می‌باشد که بیش‌تر از سطح معنی داری ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین، فرض برابری واریانس جامعه تایید می‌شود. از این‌روی آزمون تساوی میانگین دو جامعه با فرض برابری واریانس جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس نتایج منعکس در جدول ۲، سطح معنی داری مربوط به آزمون تساوی میانگین دو جامعه برابر صفر و زیر ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین، فرض تساوی میانگین دو جامعه رد می‌شود و بر این اساس نتیجه می‌گیریم که بین نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود دارد.

همین‌طور در مورد تفاوت سودآوری در شرکت‌های عضو گروه و مستقل، از آنجایی که سطح معناداری مربوط به آزمون لوین ۰/۰۰۱ می‌باشد، فرض برابری واریانس جامعه رد می‌شود و آزمون تساوی میانگین با فرض عدم برابری واریانس انجام شده است. براساس نتایج جدول ۳، سطح معنی داری مربوط به تفاوت سودآوری ۰/۸۱ می‌باشد. بنابراین، فرض تساوی میانگین دو جامعه رد می‌شود. در نتیجه، بین سودآوری شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۳- نتایج آزمون تفاوت میانگین دو جامعه

فرضیه	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	انحراف معیار تفاوت
بین نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود دارد	-۵/۵۲۷	۶۲۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۳۹۴۹	۰/۰۰۶۸۹
بین سودآوری شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود دارد	۰/۱۴۹	۵۰۹/۲۲	۰/۸۸۱	۰/۰۰۱۵۰	۰/۰۱۰۰۵

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷-۳- تجزیه تحلیل داده‌ها و انتخاب الگو برای مدل‌های تحقیق

داده‌های مربوط به متغیرها از صورت‌های مالی شرکت‌ها و نرم‌افزار تدبیر پرداز استخراج شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Spss و Eviews 6 استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مقایسه‌ی میانگین دو جامعه و رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) و برای همبستگی بین پسماندها از آزمون دو رین-واتسون استفاده شده است. در بررسی داده‌های مقطعی و سری زمانی، اگر ضرایب اثر مقطعی و اثر زمانی معنی‌دار نشود، می‌توان داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرده و به وسیله یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین بزنیم. از آنجایی که در اکثر داده‌های ترکیبی اغلب ضرایب مقاطع یا سری‌های زمانی معنی‌دار هستند، این مدل که به مدل رگرسیون ترکیب شده معروف است کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (یافی^۱، ۲۰۰۳). با توجه به ساختار ترکیبی داده‌ها، برای بررسی ترکیب‌پذیری از آزمون چاو و برای بررسی وجود اثر ثابت از آزمون هاسمن استفاده شده است. برای بررسی ترکیب‌پذیری از آزمون چاو استفاده شده است. با توجه به نتایج

بررسی تاثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها.....۱۴۳

بدست آمده در جدول ۴، مدل اثر ثابت به عنوان مدل ارجح انتخاب شد.

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون چاو برای مدل‌های تحقیق

مدل	مقدار آماره F	درجه آزادی	P-Value	روش تأیید شده
مدل شماره ۱	۴/۷۶۰	(۶۲/۵۶۱)	۰/۰۰۰۰	روش داده‌های پانل
مدل شماره ۲	۴/۶۶	(۵۹/۶۲۵)	۰/۰۰۰۰	روش داده‌های پانل

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که در جدول ۵ آمده است. سطح معنی داری بدست آمده نشان می‌دهد که برای برآورد مدل باید از آزمون اثرات تصادفی استفاده شود.

جدول ۵- نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل‌های تحقیق

مدل	χ^2 مقدار آماره	درجه آزادی	P-value	روش تأیید شده
مدل شماره ۱	۶/۷۵	۳	۰/۰۸۰۱	روش اثر تصادفی
مدل شماره ۲	۹/۳۰	۵	۰/۰۹۷۵	روش اثر تصادفی

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه اول

در فرضیه اول به این نکته پرداخته شده است که آیا نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های عضو گروه نسبت به شرکت‌های مستقل کم تر است یا نه. بر اساس نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین جامعه، بین نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود دارد. همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود بر اساس نتایج حاصل از رگرسیون حداقل مربعات مدل ۱، ضریب گروه، $-۰/۰۳۲۵$ ، منفی و در

۱۴۴ پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۲

سطح ۰/۹۹ معنی دار است. به این معنی نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های عضو گروه نسبت به شرکت‌های مستقل، کم‌تر می‌باشد. بنابراین فرضیه اول تحقیق تایید می‌شود. آماره F بدست آمده در مدل فوق در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنی دار است، بنابراین کل مدل از لحاظ آماری معنادار است. آماره‌ی دوربین واتسون ۱/۵۴ می‌باشد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرهای تحقیق می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۰۶ می‌باشد، که بیانگر این است که ۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

جدول ۶- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

$ETR = \alpha_0 + \beta_1 Group_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEVERAG$			
$ETR = \alpha_0 + \beta_1 PTI_{it} + \beta_2 Group_{it} + \beta_3 (Group * PTI)_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEVERAGE_{it}$			
مدل (۲)		مدل (۱)	
متغیرها:	ضرایب	سطح معنی‌داری	ضرایب
مقدار ثابت (C)	۰/۱۵۵۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۲۰
سودآوری قبل از مالیات (PTI)	۰/۰۷۰۶		۰/۰۶۹۴
متغیر موهومی (Group)	-۰/۰۳۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۰۰
متغیر گروه * سودآوری قبل از مالیات (PTI*Group)	-۰/۰۳۵۳		۰/۵۲۹۲
اندازه (SIZE)	-۰/۰۰۴۷	۰/۰۸۶۹	۰/۱۴۵۵
اهرم مالی (LEVERAGE)	-۰/۰۰۹۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰
آماره F	۱۶/۰۶		۱۰
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۶		۰/۰۷
آماره دوربین واتسون	۱/۵۴		۱/۵۱

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه دوم

از آنجایی که بر اساس مبانی نظری تحقیق انتظار داریم شرکت‌های عضو گروه نرخ مؤثر مالیاتی کم‌تری پرداخت کنند بنابراین فرضیه دوم تحقیق به این صورت مطرح شده که بین نرخ مؤثر مالیاتی و سود قبل از مالیات شرکت‌های عضو گروه نسبت به شرکت‌های مستقل همبستگی مثبت کم‌تری وجود دارد. براساس نتایج حاصل از رگرسیون حداقل مربعات مدل ۲، همان‌طور که در جدول ۶ نشان داده شده بین سودآوری قبل از مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ی مثبتی وجود دارد. ضریب سودآوری قبل از مالیات ۰/۰۷۰۶ و در سطح ۹۰ درصد معنی‌دار است. اما بین اثر متقابل گروه و سودآوری قبل از مالیات، و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه دوم تحقیق رد می‌شود. براساس نتایج حاصل از آزمون تفاوت میانگین دو جامعه، بین سودآوری قبل از مالیات شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل تفاوت معناداری وجود ندارد. بر همین اساس وقتی رابطه‌ی بین اثر متقابل سودآوری قبل از مالیات و گروه را با نرخ مؤثر مالیاتی مورد آزمون قرار می‌گیرد، رابطه‌ی معنی‌داری بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

۸- نتیجه‌گیری

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که عضویت در گروه تجاری هزینه‌ی نمایندگی، ورشکستگی و محدودیت‌های نقدینگی را کاهش می‌دهد. به طور کلی عضویت در گروه تجاری برای شرکت‌های عضو انعطاف‌پذیری فوق‌العاده‌ای در مقایسه با شرکت‌های مستقل به وجود می‌آورد. مزیتی که شرکت‌های عضو می‌توانند از آن در جهت کاهش مالیات خود استفاده کنند. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، ابتدا نمونه‌ی تحقیق براساس نمونه‌گیری حذفی انتخاب شد و سپس بر اساس اطلاعات صورت‌های مالی شرکت عضو گروه و مستقل مشخص شدند. نرخ مؤثر مالیاتی از تقسیم هزینه‌ی مالیات بر سود

۱۴۶ پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۲

قبل از مالیات محاسبه شده است. براساس نتایج آزمون تفاوت میانگین دو جامعه، بین نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که شرکت‌های عضو گروه نسبت به شرکت‌های مستقل نرخ مؤثر مالیاتی کمتری دارند. این یافته با نتیجه تحقیقات بیوسلینگ و دلف (۲۰۰۶) و گراملیچ و همکاران (۲۰۰۴) مطابقت دارد.

از آنجایی که هدف مدیران شرکت‌ها، حداکثر سازی ثروت سهام‌داران است و با توجه به اینکه شرکت‌های عضو گروه تجاری نرخ مؤثر مالیاتی کمتری نسبت به شرکت‌های مستقل دارند، جریان نقد خروجی مالیات آنها به نسبت شرکت‌های مستقل کمتر است و می‌توانند وجوه حاصل از این صرفه‌جویی را در پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت استفاده نمایند. این امر در جهت حداکثر سازی ثروت سهام‌داران است. در نتیجه سرمایه‌گذاران در هنگام سرمایه‌گذاری می‌توانند به شرکت‌های عضو گروه تجاری، به‌عنوان یک گزینه مناسب برای سرمایه‌گذاری بنگرند. از طرف دیگر، نظر به اینکه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های عضو گروه تجاری کمتر از شرکت‌های مستقل است، احتمالاً شرکت‌های عضو گروه تجاری اقدامات بیشتری در جهت برنامه‌های کاهش مالیات انجام می‌دهند که این امر ممکن است سبب ایهام در معاملات این شرکت‌ها شود. بنابراین ضروری است که حساب‌برسان مالیاتی و ممیزان در هنگام بررسی اطلاعات مالی این شرکت‌ها دقت بیشتری به خرج دهند.

در فرضیه دوم تحقیق به موضوع رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و سود قبل از مالیات شرکت‌های عضو گروه پرداخته شده است. نتایج آزمون فرضیه دوم حاکی از این است که بین سودآوری قبل از مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ی مثبتی وجود دارد، ولی بین اثر متقابل سودآوری قبل از مالیات با گروه، و نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد. به بیان دیگر همبستگی مثبت، بین سودآوری قبل از مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های عضو گروه، تفاوت معناداری با شرکت‌های مستقل ندارد. این موضوع می‌تواند ناشی از این باشد که بر اساس آزمون تفاوت میانگین دو جامعه، بین

۱۴۷.....بررسی تاثیر عضویت در گروه تجاری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها

سودآوری قبل از مالیات شرکت‌های عضو گروه و شرکت‌های مستقل در ایران تفاوت معناداری وجود ندارد. شرکت‌های عضو گروه تجاری می‌توانند از طریق معاملات درون گروهی نرخ مؤثر مالیاتی خود را کاهش دهند، این عمل می‌تواند محرکی برای تلفیق بیشتر شرکت‌ها باشد. با توجه به نتیجه تحقیق پیشنهاد می‌شود که وضع مالیات برای شرکت‌های عضو گروه تجاری به صورت کلی انجام گیرد. درست است که گروه‌های تجاری متشکل از دو یا چند شرکت با شخصیت قانونی مستقل هستند. اما در واقع یک شخصیت اقتصادی واحد را تشکیل می‌دهند. تعیین مالیات به صورت جداگانه برای شرکت‌های عضو گروه تجاری، در حقیقت نادیده گرفتن این واقعیت اقتصادی است. با توجه متفاوت بودن شرایط شرکت‌های عضو گروه تجاری و شرکت‌های مستقل، پیشنهاد می‌شود که در زمینه تامین مالی، محدودیت‌های مالی و غیر شرکت‌های عضو گروه تجاری، تحقیقات بیشتری صورت گیرد.

منابع

- ایزدی نیا، ناصر و امیر رسائیان، (۱۳۸۸)، «ساختار سرمایه و مالیات بر درآمد شرکت‌ها»، فصلنامه تخصصی مالیات، شماره چهارم، بهار ۱۳۸۸، ص ۳۱-۴۴.
- سعیدی، پرویز و عبدالحکیم کلامی، (۱۳۸۷)، «تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکتها بر سرمایه گذاری شرکتهای تولیدی»، فصلنامه تخصصی مالیات، شماره سوم. بهار ۱۳۸۸، ص ۱۶۹-۱۹۸.
- موسوی جهرمی، خداداد یگانه، فرهاد کاشی و مینو زیارتی، (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه ی بین درجه ی تمرکز بازار و نرخ مؤثر مالیات بر درآمد شرکت‌ها»، فصلنامه تخصصی مالیات، شماره هفتم، ص ۸۵-۱۰۰.
- مؤمنی، منصور و علی فعال قیومی، (۱۳۸۹)، «تحلیل‌های آماری با استفاده SPSS»، منصور مؤمنی، تهران، انتشارات علم و دانش.
- Beatty, A. and D. G. Harris, (2001), "Intra-Group, Interstate Strategic Income Management for Tax, Financial Reporting, and Regulatory Purposes", *The Accounting Review*, 76, PP. 515-536.
- Beuselinck, Ch. and M. Deloof, (2006), *Business Groups, Tax and Accruals Management*, Discussion Paper, Tilburg University.
- Claessens, S., J. Fan, and L. Lang, (2005), "The Benefits of Costs and Group Affiliation: Evidence from East Asia", *Emerging Markets Review*, Forthcoming.
- Collins, J., D. Kemsley, and M. Lang, (1998), "Cross-Jurisdictional Income Shifting and Earnings Valuation", *Journal of Accounting Research*, 36, PP. 209-229.
- Dyreg, S. D., M. Hanlon, and E. L. Maydew, (2009), "The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance", Working Paper.
- Gilson, R. J. and M. J. Roe, (1993), "Understanding the Japanese Keiretsu: Overlaps between Corporate Governance and Industrial Organization", *Yale Law Journal*, 102, PP. 870-906.
- Gramlich, D., P. Limpaphayom and S. Ghon Rhee, (2004), "Taxes, Keiretsu Affiliation, and Income Shifting", *Journal of Accounting And Economics*, 37, 2, PP. 203-228.
- Gupta, S. and K. Newberry, (1997), "Determinants of the Variability in Corporate Effective Tax Rates: Evidence from Longitudinal Data", *Journal*

of Accounting And Public Policy, 16, PP. 1-34.

Harris, D., R. Morck, J. Slemrod and B. Yeung, (1993), "Income Shifting in US Multinational Corporations, in Studies in International Taxation", Edited by A. Giovannini, R. G. Hubbard, and J. Slemrod, University of Chicago Press, Chicago, IL.

Hoshi, T.A., a. Kashyap and D. Scharfstein, (1990), "The Role of Banks in Reducing the Costs of Financial Distress in Japan", Journal of Financial Economics, 27, PP. 67-88.

Hoshi, T.A., A. Kashyap, and D. Scharfstein, (1991), "Corporate Structure, Liquidity, and Investment: Evidence from Japanese Industrial Groups", Quarterly Journal of Economics, 106, PP. 33-60.

Kaplan, S. N., (1994), "Top Executive Rewards and Firm Performance: A Comparison of Japan and the United States", Journal of Political Economy, 102, PP. 510-546.

Leff, N. H., (1978), "Industrial Organization and Entrepreneurship in the Developing Countries: The Economic Group", Economic Development and Cultural Change, 26, 4, PP. 661-675.

Manos, R., V. Murinde and C. J. Green, (2007), "Leverage and Business Groups: Evidence from Indian Firms", Journal of Economics and Business, 57, PP. 443-465.

Mills, L. F. and K. J. Newberry, (2004), "Do Foreign Multinationals' Tax Incentives Influence Their US Income and Reporting Debt Policy?", National Tax Journal, 1, PP. 89-107.

Miyashita, K. and D. W. Russell, (1994), "Keiretsu: Inside the Hidden Japanese Conglomerates", McGraw-Hill, Inc., New York, NY.

Porcano, T., (1986), "Corporate Tax Rates: Progressive, Proportional, or Regressive", Journal of the American Taxation Association, 7, 1, PP. 17-31.

Rego, S. O., (2003), "Tax-Avoidance Activities of U.S. Multination Corporations", Contemporary Accounting Research, 20, 4, PP. 805-833.

Scholes, M. S., M. Wolfson, M. A. Erickson, E. L. Maydew and T. Shevlin, (2002), "Taxes and Business Strategy :A Planning Approach", 2nd Edition, Prentice Hall, Upper Saddle River, NJ.

Shackelford, D. A. and T. Shevlin, (2001), "Empirical Tax Research in Accounting", Journal of Accounting and Economics, 31, PP. 321-387.

Stickney, C. and V. McGee, (1982), "Effective Corporate Tax Rates: The Effect of Size, Capital Intensity, Leverage and Other Factors", Journal of Accounting and Public Policy, 1, 2, PP. 125-152.

Wilkie, P. J. and S. T. Limberg, (1993), "Measuring Effective Tax(Dis) Advantage for Corporate Taxpayers: An Alternative to Average Effective Tax Rates", Journal of the American Taxation Association, 15, 1, PP. 46-71.

۱۵۰ پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۲

Yaffee, R., (2003), "A Primer for Panel Data Analysis", New York, University, Information Technology Services.

Zimmerman, J., (1983), "Taxes and Firm Size, Journal of Accounting and Economics", 5, 2, PP.119-149.

